



www.zabanebartar.com

ضمایر انعکاسی

ضمایر انعکاسی یا self pronouns ضمایری هستند که معمولاً به عنوان مفعول جمله به کار می‌روند. این ضمایر در زبان فارسی معمولاً به صورت شکلی صرف شده از واژه "خود" نوشته می‌شوند.

کاربرد

کاربرد اصلی ضمایر انعکاسی زمانی است که فاعل و مفعول در واقع یک نفر هستند. مثال:

My dad usually sings songs to himself and also listen to them himself.

پدرم اغلب برای خودش آواز می‌خواند و همچنین خودش به آنها گوش می‌دهد.

در جمله بالا اشاره **himself** در جمله به فاعل جمله (he) است. در صورتی که از ضمیر شخصی مفعولی (him) استفاده می‌شد امکان تشخیص این موضوع وجود نداشت که مفعول همان فاعل است یا فردی دیگر.

ضمایر انعکاسی کاربرد دیگری هم دارند. گاهی برای تاکید بر روی این موضوع که یک نفر به تنهایی کاری را انجام داده نیز از ضمیر انعکاسی استفاده می‌شود. مثال:

Mary is a little girl. She tidies up her room herself.

ماری دختر کوچکی است. او اتاقش را خودش مرتب می‌کند.



www.zabanebartar.com

در جمله بالا ضمیر انعکاسی himself نقش مفعولی ندارد و حتی میتوان به راحتی آن را از جمله حذف کرد. استفاده از این ضمیر در اینجا تنها برای تاکید بر روی انجام یک کار به تنهایی است.

جمع			مفرد				
سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	سوم شخص			دوم شخص	اول شخص
themselves	yourselves	Ourselves	itself	herself	himself	yourself	myself
خودشان	خودتان	خودمان	خودش	خودش	خودش	خودت	خودم

listen •

perform •

predict •

save •

show •

study •

target •

travel •

use •

write •

zoom •



افعالی که جزء هر دو نوع هستند.

تعدادی فعل وجود دارد که جزء هر دو نوع این فعل هاست، چهار مورد از این افعال عبارتند:

• be

وقتی که be به معنای بودن است یک فعل حالتی است ولی وقتی که به معنای رفتار کردن است be یک فعل کنشی است:

He **is** a teacher.

او یک معلم است (حالتی)

He **is** laughing.

او دارد میخندد. (کنشی)

• have

فعل have به همراه has و had موقعی که به معنای داشتن است یک حالت است، در سایر موارد have یک فعل کنشی است:

He **has** a big house.

او یک خانه بزرگ دارد (حالتی)

She is **having** breakfast.

او دارد صبحانه صرف می کند (کنشی)



www.zabanebartar.com

• see

هنگامی که see به معنای فهمیدن یا متوجه شدن است این یک فعل حالتی است، در غیر این صورت see یک فعل کنشی است:

I **see** what you mean.

متوجه می شوم منظورت چیه (حالتی)

• think

وقتی که think برای اظهار نظر بکار می رود یک فعل حالتی است:

I **think** it's a good idea.

فکر می کنم ایده خوبی باشه (حالتی)

ولی وقتی که سایر معانی این کلمه بکار برده می شود think یک فعل کنشی است.